



عنوان مقاله

احساسات در قرآن کریم و عهد قدیم؛ با تأکید بر متغیر جنسیت

نویسندگان

زهرا عسکری دستجردی ★، حامد نظریور، دانشگاه اصفهان

مقدمه

در طول قرن‌های متمادی انسان‌ها با تکیه بر عناصر هویت‌بخشی که برگرفته از ویژگی‌های تکوینی و فرهنگ زمانه شان بوده است شخصیت خود را شکل داده و به تبع زندگی‌شان را سامان بخشیده‌اند. یکی از مؤلفه‌های مهم هویت‌بخش برای هر انسان عواطف و احساسات هستند که اهمیت آن در قرن‌های اخیر بیشتر از گذشته بر متفکران روشن شده است. بیش‌تر فیلسوفان بزرگ کلاسیک، افلاطون، ارسطو، اسپینوزا، دکارت، هابز و هیوم، نظریه‌های مشخصی درباره عاطفه داشته‌اند. شگفت‌آور این است که در بخش زیادی از قرن بیستم، فیلسوفان ذهن و روان‌شناسان معمولاً عواطف را نادیده می‌گرفتند. با این وجود، در سال‌های اخیر، دوباره به عواطف در فلسفه و نیز در شاخه‌های دیگر علوم شناختی توجه جدی شده است (رونالد د سوسا، ۱۳۹۶، ۱۱). عواطف و احساسات انسان از آن جهت اهمیت دارد که هر رفتاری باید جنبه عاطفی داشته باشد تا به وقوع بپیوندد. رفتار از انگیزه برمی‌خیزد. انگیزه بدون هیجان و عاطفه، از نیروی لازم برای حرکت و رهگشایی و نیز از جهت مندی مطلوب برخوردار نخواهد بود. پس برای درک رفتار انسان‌ها باید علاوه بر تفکر، انگیزه، هدفمندی و هیجان را نیز بررسی کرد. چه بسا باید تفکر را چنان تعریف کنیم که این جنبه‌ها را نیز در برگیرد (قاسم زاده، ۱۳۹۲، ۸). در میانه تمام این مباحث علمی یک نکته به چشم می‌خورد و آن این‌که زنان در برخورداری از عواطف و احساسات تفاوت‌های زیادی با مردان دارند. در تحقیقات روان‌شناسان و البته در برخی متون دینی صراحتاً بر این ویژگی زنان تأکید کرده‌اند. از این جهت این پژوهش به دنبال پیگیری ریشه این مفهوم اساسی و بنیادی در کتب مقدس است. با توجه به اهمیت و محوریت متون مقدس در استنباط آموزه‌های دینی اسلام و یهودیت، هدف این پژوهش بررسی مقایسه‌ای احساسات در قرآن و عهد قدیم با تأکید بر متغیر جنسیت است

عاطفه و احساس در قرآن

عطف به چیزی گفته می‌شود که یک طرف آن به طرف دیگری تا خورده و خم شود و متمایل به یک طرف دیگر باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۲، ۶۱۵). اصل در عطف تمایل پیدا کردن به رأفت است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ۲۰۴). ریشه عطف یک مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است. سوره حج، آیه ۸ و ۹. عاطفه در لغت به مطلق گرایی‌های طرفینی و یا شیء به شیء دیگر اطلاق می‌گردد. مؤث عاطف و مصدر آن عطف به معنای اعوجاج، میل و رغبت آمده است. کلمه عطف ذاتاً معنی تمایل می‌دهد و بار ارزشی خاصی ندارد ولی وقتی در منظومه تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد، معانی خاصی پیدا می‌کند. عاطفه به معنی رحمت و شفقت خاصی است که بین اولوالارحام وجود دارد. در روایات، عاطفه به معنای: الفت، مهربانی، عنایت، رحمت، رأفت، شفقت، عفو، دوستی و... به کار رفته است. (صنوبری، ۱۳۹۰، ۶).

در قرآن قلب به مرکز فرماندهی ادراک، عاطفه و عمل اطلاق می‌شود. سه مقوله فوق از نظر تحقق، مترتب بر یکدیگرند، به گونه‌ای که معرفت و ادراک، باعث ایجاد مقولات عاطفی و مقولات عاطفی، موجب عمل می‌شود. به عنوان مثال هنگامی که انسان نسبت به حساب و کتاب در قیامت آگاه می‌شود (درک موضوع)، حالت خوف و رجا پیدا کرده (ایجاد حالت عاطفی) و از گناه دوری می‌کند (انجام عمل). از سه کارکرد فوق، اولی یعنی ادراک و معرفت، شأن اساسی قلب است و دو مقوله عاطفی و عمل به تبع آن حاصل می‌شود. به همین دلیل است که در کتب لغت و بعضی از احادیث، قلب را به معنای عقل گرفته‌اند (نراقیان، ۱۳۹۲، ۱۱۷).

قرآن در تأیید این شناخت‌های قلبی در سوره اعراف آیه ۱۷۹ می‌فرماید: «و لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم اغین لا یبصرون بها و لم اذان لا یسمعون بها...». پس قلب و دل انسان که محل و مرکز عواطف انسانی است یکی از منابع شناختی انسان است که تیزبین تر و واقع‌بین‌تر و مطمئن‌تر از منابع عقلی و حسی است. متفکرین اسلامی معتقدند عاطفه یکی از مهم‌ترین توانایی‌ها و استعداد‌های هشت‌گانه انسان است. اسلام عواطف عالی انسانی را جزء ادراکات انسانی می‌داند که ریشه معرفتی دارد و خاص حیات انسانی است؛ زیرا عاطفه پس از ادراکات قلبی در قلب شکل می‌گیرد. به همین دلیل شکل عاطفه نیز متناسب با نوع ادراکاتی است که در قلب صورت گرفته است. قلب دستور صدور عاطفه خاصی متناسب با ادراک و تجزیه و تحلیل خود صادر می‌کند، تا مغز آن را اجرا نماید. در واقع عاطفه زبان و رفتار قلب است. عاطفه در اثر ایمان به معارف وحیانی و عمل به آن معارف ایجاد می‌شود. شدت و ضعف و نوع آن متناسب با شدت تمایلات و نوع ادراکات قلبی است و بروز آن در رفتار انسانی است (زاهدی، ۱۳۸۵، ۲۵۳).

عواطف عالی انسانی از مقوله احساس و احساسات نمی‌باشد و این دو مقوله به کلی از یکدیگر متفاوت می‌باشند. زیرا احساس ریشه غریزی دارد و انسان در این زمینه با حیوانات مشترک است. مثل احساس غضب و احساس شهوت و احساس همسرخواهی و احساس فرزنددوستی و احساس گرسنگی و تشنگی و از این قبیل. لذا احساسات را با تغییرات بیولوژیکی و فیزیولوژیکی می‌توان تغییر داد یا ظهور و بروز آن را می‌توان شدت و ضعف بخشید. البته چون احساس و عاطفه هر دو در وجود انسان فعال می‌باشند، بر یکدیگر اثر گذاشته و رفتار انسان را پیچیده تر می‌نمایند. به طوری که تکلیک این دو مقوله در بسیاری موارد از یکدیگر در رفتار انسان مشکل است.

عواطف از دیدگاه قرآن دارای دو وجه مثبت و منفی است؛ لذا به دو قسمت سلبی و ایجابی تقسیم می‌شود. تقسیم عواطف به عواطف مثبت و منفی مورد تأیید روان‌شناسان غربی نیز هست. آن‌ها معتقدند عاطفه مثبت به‌طور مستقیم تعهد هنجاری به تغییر را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین آیرن و روو معتقدند عاطفه مثبت منجر به انگیزه درونی برای تکمیل تکالیف و توجه به هنجارها می‌شود (براتی، عربضی و دری، ۱۳۹۳).

روش

این پژوهش با رویکرد مقایسه‌ای و به روش اسنادی و توصیفی تحلیلی انجام می‌شود. ابتدا مسئله احساسات و جنسیت در قرآن کریم بررسی می‌شود. سپس دیدگاه عهد قدیم در این باره ارائه می‌شود. در پایان دیدگاه این دو متن مقدس مقایسه می‌شود.

یافته‌ها و نتایج

رابطه عاطفه و احساس با جنسیت آیات قرآن و روایات اسلامی بر عاطفی بودن زن دلالت دارند. در قرآن کریم، در آیه ۲۱ سوره روم ضمن این‌که مرد و زن را آرامش‌گر یکدیگر می‌داند بر جایگاه آرامش‌گری زن برای مرد و خانواده تأکید بیش‌تری شده است. در روایات نیز به این کارکرد زنان اشاره شده است. اکثر اندیشمندان اسلامی از وجود استعداد عاطفی در زنان سخن گفته‌اند. علامه طباطبائی حیات زن را عاطفی قلمداد کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۵، ۵۱) و آیت‌الله جوادی آملی زنان را سرمایه عاطفی جامعه می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ۳۵۰) و معتقد است این رقت دل، عاطفه و احساس باعث می‌شود که آن‌ها در در ذکر و مناجات که یکی از راه‌های تعالی انسان و رسیدن به قرب الهی است موفق باشند. جوادی آملی، ۳۰۴). علامه تهرانی نیز زنان را دارای بنیانی ظریف و احساسات و عاطفه قوی و تفکر متناسب با آن می‌داند (حسینی تهرانی، ۱۳۹۲، ۳۴). شهید مطهری با به کارگیری واژه «رأفت» و با بیان تفاوت میان شهوت و رأفت، این ویژگی را شاهکارهای آفرینش و چیزی فراتر از حس استخدام و منفعت‌طلبی می‌داند.

احساسات و جنسیت در عهد قدیم در عهد قدیم، دیدگاه مثبتی نسبت به احساسات انسان وجود دارد و این احساسات در آیات مختلف توصیف و بحث می‌شود. اغلب شخصیت‌های عهد قدیم احساسات خود را بروز می‌دهند (Ivry, 2007, 396). در سفر پیدایش احساس‌های عشق، لذت، ترس و احساسات مقابل آن‌ها بیان می‌شود (برای مثال: پیدایش ۳: ۴؛ ۵: ۲۹؛ ۱۸: ۳۷؛ ۳: ۳). شخصیت‌هایی از جمله شائول، سرایندهٔ مزامیر و عاشقان در غزل‌ها افرادی احساسی هستند. خداوند نیز دارای احساسات رحمت و خشم است (پیدایش ۴: ۱۰ و ۱۵؛ ۶: ۸؛ ۲۱: ۱۸؛ ۱۷: ۲۹؛ ۳۱). در سفر خروج نیز خداوند با احساس‌های خشم و رحمت توصیف می‌شود (خروج ۲۰: ۵ و ۶؛ ۳۴: ۶). یهوه بنی اسرائیل را دوست دارد و از آن‌ها می‌خواهد که آن‌ها نیز به او عشق بورزند و هم‌زمان از او بترسند (تثنیه ۵: ۱۰ و ۱۲). خداوند انسان را نصیحت می‌کند که احساس نفرت و هوس را از خود دور کند، با دیگران با عشق و مهربانی رفتار کند و با شادی و لذت، فرامین خداوند را انجام دهد (خروج ۲۰: ۱۴؛ لاویان ۱۷: ۱۷ و ۱۸؛ تثنیه ۱۶: ۱۱). خداوند به بندگان برکت می‌دهد، هم برکت مادی و هم برکت معنوی، که موجب آرامش و شادی آن‌ها می‌شود (اعداد ۲۴: ۶-۲۶؛ اشعیا ۶۵: ۱۷ به بعد) (Ivry, 2007, 396).

برخی معتقدند بر اساس آیات عهد قدیم احساسی بودن ویژگی زنانه نیست. (Kruger, 2015, 414). برای مثال، در عهد قدیم احساس ناراحتی که با گریه کردن همراه می‌شود، خاص زنان نیست و برای مردان نیز گزارش می‌شود (پیدایش ۴۵: ۱۴-۱۵؛ دوم سموئیل ۱۹: ۱-۲)؛ دوم پادشاهان ۱۳: ۱۴؛ ایوب ۲: ۱۲). احساس رحم و مهربانی نیز به زن و مرد نسبت داده می‌شود (پیدایش ۴۳: ۲۰؛ اول پادشاهان ۳: ۲۶). اما دربارهٔ احساس خشم و غضب، موردی در عهد قدیم مشاهده نمی‌شود که بیان کند زنی خشمگین شده است یا شخصی نسبت به زنی خشمگین شده باشد. علاوه بر این، دربارهٔ احساس عشق و محبت نیز می‌توان گفت که بر اساس آیات کتاب مقدس، مردان پیشگام در اظهار محبت هستند (پیدایش ۲۴: ۲۹؛ ۱۸ و ۱۹؛ ۳۴: ۳؛ تثنیه ۲۱: ۱۵؛ داوران ۱۶: ۱۶؛ ۴ و ۱۵؛ دوم سموئیل ۱۳: ۱ و ۴ و ۱۵؛ اول پادشاهان ۱۱: ۱ و ۲). البته در ادبیات شاعرانهٔ عهد قدیم در مواردی از عشق دختران نسبت به پسران سخن می‌گوید (امثال ۵: ۱۹؛ غزل‌غزلها ۵: ۵؛ ۸). اما در ادبیات روایی و داستانی عهد قدیم، فقط در یک مورد است که دختری ابتدا عشق خود را به یک مرد اظهار می‌کند و آن اظهار عشق میکال (دختر شائول) نسبت به داود است (اول سموئیل ۱۸: ۲۰) (Kruger, 2015, 414). برخی این عبارت را که «بر اساس کتاب مقدس، مردان عقلانی‌اند و زنان احساسی هستند»، صحیح نمی‌دانند. آنها معتقدند زنان احساسی‌تر از مردان و مردان عقلانی‌تر از زنان نیستند (Mickelsen, 2010, 9). استدلال این افراد بر اساس آیاتی از عهد قدیم، زنان نیز می‌توانند رهبری و مدیریت یک قوم را به عهده بگیرند. برای مثال دوره، قاضی و داور بنی اسرائیل است که توسط خداوند انتخاب می‌شود و با دشمنان بنی اسرائیل می‌جنگد (داوران ۲: ۱۶ و باب ۴ و ۵). بنابراین به نظر می‌رسد به طور کلی عهد قدیم بر تفاوت بین زن و مرد در موضوع احساسات تأکید ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در مقایسه بین قرآن و عهد قدیم درباره مفهوم عواطف و احساسات چند نکته شایان ذکر است. در عهد قدیم به جهت ماهیت تاریخی بیشتر به بروز و ظهور عواطف و احساسات پرداخته شده است این در حالی است که قرآن حتی در پرداخت به وقایع تاریخی به جنبه‌هایی تأکید دارد که وجه هدایتی دارند و کمتر کنش‌ها و واکنش‌های انسانی محل بحث است و به همین جهت کمتر بروزات عاطفی یا احساسی شخصیت‌ها در آن دیده می‌شود. از طرف دیگر در خلال آیات قرآن مفهوم‌شناسی عواطف و احساسات قابل ردیابی است و در پی این مفهوم‌شناسی تمایز عواطف و احساسات قابل دریافت است ولی در عهد قدیم به این مسأله توجهی نشده است. در ارتباط با نسبت این مفاهیم با جنسیت نیز در قرآن تأکید بیشتری به عاطفی بودن زنان دیده می‌شود و زنان، تسکین دهنده تلاطم درونی و روانی مردان معرفی شده است ولی در عهد قدیم اشارات مستقیمی در این زمینه وجود ندارد و تحلیل‌های اندیشمندان نیز از این مسأله متفاوت است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمهٔ آیت‌الله مکارم شیرازی.
براتی، هاجر، عربضی، حمیدرضا، دری، بهروز، تمهد به تغییر؛ نقش حمایت، اعتماد، عدالت و عاطفه، فصل‌نامه پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، ش ۱۴ (تابستان ۱۳۹۳).
زاهدی، مرتضی، نظام تربیتی اسلام، انتشارات مؤسسه صابره، تهران، ۱۳۸۵.
د سوسا، رونالد، دانشنامه فلسفه استنفورد، ترجمه مهدی غفوریان، انتشارات ققنوس.
نجفی، محمد، متقی، زهره و نصرتی هشی، کمال، سازمان‌دهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، دوفصل‌نامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۲۹، (زمستان ۱۳۹۴)، صص ۴۹ - ۸۲.
نراقیان، مینو، معناشناسی عقل و قلب در قرآن، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.

- The Holy Bible, (1967), King James version, the world publishing company, New York.
- Ivry, Alferd L., (2007), "Emotions", Encyclopaedia Judaica, Edited by Fred Skolnik, Second Edition, Thomson Gale, USA, v. 6, pp. 396-397.
- Lam-Easton, Linda L., (1998), "Emotion", Encyclopedia of Women and World Religions, Editor in chief: Serinity Young, Macmillan Reference, USA, v. 1, pp. 299-301.
- Kruger, Paul A., (2015), "Emotions in the Hebrew Bible", OTE, 28/ 2, pp. 395- 420.
- Parkins, Roisin, (2012), "Gender and Emotional Expressiveness", Griffith Working Papers in Pragmatics and Intercultural Communication 5, pp. 46- 54

